

هاچین و اچین

• تصویرگر: میترا عبداللهی



بود و بود و بود

سه تا ماهی بود. یکی قرمز، یکی آبی، یکی سیاه.
هر سه تا ماهی گرسنه بودند.
ماهی آبی گفت: «من یک خرچنگ می گیرم!»
ماهی قرمز گفت: «من توی روغن سرخش می کنم!»
ماهی سیاه گفت: «من هم می خورمش!»
یک دفعه خرچنگ آمد و گفت: «آهای، آهای... کی بود؟ چی گفت؟»
هر سه تا ماهی گفتند: «ما نبودیم. آب بود. هر چی گفتیم تو خواب بود.» و رفتند که رفتند.

• اجعفر ابراهیمی (شاهد)

دوست شکلاتی

یکی بود، یکی نبود. خاله سوسکه، تنها بود. نه دوستی داشت نه همدمی.
یک روز با خودش فکر کرد: «باید یک دوست برای خودم درست کنم!»
بعد رفت و از شیرینی فروشی چند تا شکلات خرید. با آن ها یک دوست شکلاتی برای خودش درست کرد. اسمش را گذاشت «شکلاتی»

خاله سوسکه رو به روی «شکلاتی» نشست و گفت:
«می خواهم دستت را بوس کنم!»
و یواشکی یک تکه از «شکلاتی» را خورد
گفت: «می خواهم پایت را بوس کنم!»
و یک تکه ای، دیگر از «شکلاتی» را خورد.
سوسک همسایه از راه رسید و گفت: «به به، چه بوی خوبی!...»
خاله سوسکه گفت: «بوی شکلات است.»

سوسک همسایه گفت: «به من هم می دهی؟»
خاله سوسکه گفت: «بفرما!»
بعد دو تایی «شکلاتی» را خوردند تا تمام شد.
خاله سوسکه گفت: «ای وای... دوباره تنها شدم!»

سوسک همسایه گفت: «نه! من با تو هستم. تو هم با من هستی. ما دو تا با هم دوستیم.»



• افسانه شعبان تژاد

شماره ۱ • رشد کودک

اسمش چیه؟

• شکوه قاسم‌نیا

اسمش چیه؟
ستاره
خونه‌ش کجاس؟
رو ابر پاره پاره
چه رنگیه؟
سفیده
کارش چیه؟
نور می‌ده
به به، چه کاری داره
صد آفرین ستاره!



هیچانه

• مصطفی رحماندوست

آتِل و مَتَل یه بچه
بچه که نه، تربچه
رفت و نشست تو باغچه
گفت که منم یه غنچه
تربچه، غنچه می‌شه؟
نه، نه، نه نمی‌شه
تربچه جان کجایی
غنچه که نه، بلایی
بله و بلا، بلاچه
غنچه، کچل کلاچه



کلمه بازی

• افسانه شعبان‌نژاد

بگو گلابی!
- گلابی...
- زیر لحاف آبی
باید که زود بخوابی



بگو سیب
- سیب...
- از روی شاخه
پیر توی جیب



شعرهای بند انگشتی

• اسدا... شعبانی

ماشین خاله موشه
عکس یه گربه روشه

...

گربه کنار موشه
بستنی می‌فروشه

